

دکترین مقاومت در اندیشه سیاسی امام خمینی علیه السلام

حسنعلی سلمانیان*
مصطفی منتظری**

چکیده

مسأله اصلی پژوهش، روش‌های نهادینه سازی اندیشه مقاومت در باور مردم و چگونگی تحقق آن در تحولات مختلف توسط امام خمینی علیه السلام است. از این رو، از چارچوب تحلیلی دکترین برای ترسیم سیمای نو و قاعده‌مندی از مقاومت استفاده شد که می‌تواند در تمام عرصه‌های نظام سیاسی، معیار قرار گیرد. بنابراین، «دکترین مقاومت»، مجموعه‌ای از قواعد و اقداماتی است که امام خمینی علیه السلام در سه سطح استراتژیکی، عملیاتی و تاکتیکی به کار برده‌اند، تبیین می‌نماید. در سطح استراتژیک، باور عمیق به اثربخشی مقاومت، دشمن‌شناسی و تنظیم کیفیت رفتار با آن دو قاعده اصلی محسوب می‌شوند. در سطح عملیاتی، جبهه‌سازی و مردمی کردن مبارزات و ایجاد بازدارندگی در همه عرصه‌ها و در سطح تاکتیکی نیز از افزایش سواد رسانه‌ای و مراقبت نسبت به عملیات روانی دشمن مبنای برنامه‌ریزی‌ها و رفتارها قرار می‌گیرد. این پژوهش از روش کتابخانه‌ای و مطالعه اسنادی بهره گرفته است.

واژگان کلیدی

امام خمینی علیه السلام، مقاومت، دکترین، اندیشه سیاسی، انقلاب اسلامی.

*. استادیار گروه حقوق و الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه گلستان، گرگان. (نویسنده مسئول)

salmanian2@gmail.com

m.montazeri1001@gmail.com

** استادیار گروه حقوق و الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه گلستان، گرگان.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۱۷

مقدمه

انقلاب اسلامی ایران از ابتدا با موانع متعددی مواجه بود. یکی از تدابیر حکیمانه‌ای که امام خمینی ره به‌عنوان رهبر انقلاب اسلامی ایران اتخاذ نمودند بهره‌مندی از منطق مقاومت بود. پس از رحلت ایشان این راه‌حل همچنان به‌عنوان یک الگو از سوی آیت‌الله خامنه‌ای با قوت در عرصه‌های مختلف و بعضاً با نوآوری‌های مهم پی گرفته شد. مبانی نظری و سیره امام خمینی ره، نشان می‌دهد که مقاومت، از عمق و گستره مفهومی و کاربردی بسیاری برخوردار است به‌گونه‌ای که فراتر از یک روش و به‌مثابه قاعده‌ای بنیادین محسوب می‌شود. قاعده‌ای که باید یکی از ارکان مهم برنامه‌ریزی در تمامی عرصه‌ها و در همه سطوح خرد و کلان، مورد نظر قرار گیرد. قطعاً با چنین رویکردی، نه تنها موانع و تهدیدها به حداقل کاهش می‌یابد که پیشرفت و توسعه جامعه نیز تضمین می‌گردد. از این حیث، نویسندگان مقاله با استفاده از چارچوب تحلیلی دکترین، اندیشه مقاومت را در ساحت فکری و سیره رهبری امام خمینی ره تبیین می‌نمایند. از این منظر، در دکترین مقاومت برای عینیت یافتن پایداری در ساحت‌ها و سطوح کلان و خرد جامعه، به ارائه قواعد در سه لایه استراتژیکی، عملیاتی و تاکتیکی می‌پردازد. ذیل هر یک از این سطوح نیز، محورهایی برای تحقق آنها در مقام عمل، تعریف می‌شود که مبادرت به آنها برای دستیابی به دکترین اصلی که عبارت است از جاری شدن منطق مقاومت در روح و کالبد جامعه و حکومت، ضروری است. بنابراین پژوهش حاضر «دکترین مقاومت امام خمینی ره» را ارائه می‌نماید.

الف) پیشینه و نوآوری پژوهش

در زمینه تبیین مقاومت و ابعاد آن، پژوهش‌های ارزنده‌ای صورت گرفته است که در یک نگاه کلی و باتوجه به موضوع این مقاله، در محورهای زیر قابل تقسیم هستند که پس از مرور مختصر بر هر یک، به‌عنوان راه طی شده، به بیان وجوه تمایز و نوآوری‌های این نوشتار مبادرت خواهد شد.

۱. آنها که با نگاه تاریخی و زمینه‌ای نوشته شده‌اند، مانند:

- جوادی ارجمند، محمدجعفر و علی محمد مصیری، ۱۳۹۸، «خاستگاه اندیشه مقاومت در ایران»،

پژوهش‌های سیاست اسلامی، سال هفتم، شماره ۱۶.

۲. برخی آثار با سیری در منابع اسلامی و با تأکید بر اندیشه‌های امام خمینی ره و آیت‌الله خامنه‌ای

به زیور طبع آراسته شده‌اند، مانند:

- مهدویان، علی، ۱۳۹۹، *طرح کلی اندیشه مقاومت* (بیرامون وضعیت انقلاب اسلامی)، تهران، سفیر صادق.

- زارعی، غفار، ۱۳۹۸، «بررسی نظری دکترین مقاومت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»،

فصلنامه مطالعات سیاسی، دوره ۱۲، شماره ۴۵.

۳. بعضی از آثار نیز به طور خاص از منظر امام خمینی علیه السلام به مسئله مقاومت پرداخته‌اند، مانند:
- یاقوتی، ابراهیم و فاطمه عرب‌احمدی، ۱۳۹۸، «آزادی مقاومت در اندیشه فقه سیاسی انقلاب اسلامی ایران با رویکرد بر نظر امام خمینی علیه السلام»، *فصلنامه متین*، دوره ۲۱، شماره ۸۴.
- صادقی، محمد و همکاران، ۱۳۹۹، «آموزه‌های پشتوانه‌های قرآنی دکترین مقاومت امام خمینی علیه السلام با تأکید بر بیانات مقام معظم رهبری»، *فصلنامه مطالعات علوم قرآن*، سال دوم، شماره ۲.
ویژگی ممتاز این پژوهش، تبیین اندیشه امام خمینی علیه السلام در قالب یک الگوی قاعده‌مند است که از این مدل، به نام «دکترین» یاد می‌شود. اگرچه در عنوان برخی تحقیقات نام «دکترین» نیز دیده می‌شود، اما در روش‌شناسی، دکترین در هیچ‌کدام به طور دقیق و کامل پیاده‌سازی نشده است. این در حالی است که ارائه یک مدل مفهومی و عملیاتی یا الگوی نظام‌مند با روش دکترین که در ساحت سیاست‌های کلان و خرد، از پژوهش تا تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری‌ها در سطوح مختلف بتوان از آن استفاده کرد، حلقه مفقوده مهمی در تحقیقات علوم انسانی به شمار می‌رود. بنابراین، مهم‌ترین محورهای نوآورانه این پژوهش به صورت زیر می‌باشد:
الف) با توجه به کاربرد فراوان چارچوب تحلیلی دکترین در اسناد بالادستی نظام‌های سیاسی و دانش مدیریت و تفکیک روش‌مند سطوح مختلف استراتژیکی، عملیاتی، تاکتیکی و تکنیکی، یک مدل شایسته برای مجریان و نخبگان جهت اداره عرصه‌های مختلف جامعه محسوب می‌شود؛ لذا بهره‌مندی از آن در تبیین اندیشه‌های رهبر انقلاب اسلامی، علاوه بر ایجاد نظم منطقی، به ترسیم نقشه راهی در موضوع مورد نظر می‌انجامد.
ب) ماهیت دکترین، گذار از نظر به عمل است، لذا مدلی کاربردی و عملیاتی محسوب می‌شود. از این رو، تبیین دیدگاه امام خمینی علیه السلام در این چارچوب، مجریان و مردم را از ابهام و پیچیدگی‌های نظری به روشنی‌ای دستورالعمل‌های عینی و روشمند رهنمون می‌سازد.
ج) با عنایت به گستره وسیع بهره‌مندی از مدل دکترین در ادبیات سیاسی جهان، استفاده از چنین چارچوبی، اندیشه‌های امام خمینی علیه السلام را در بستر الگویی کاربردی به زبان مشترک جهانی ترجمه می‌کند. از این رو علاوه بر ایجاد مفاهیم بین‌المللی، در راستای صدور انقلاب اسلامی، طرحی نو به‌شمار می‌آید.

ب) چارچوب تحلیلی دکترین

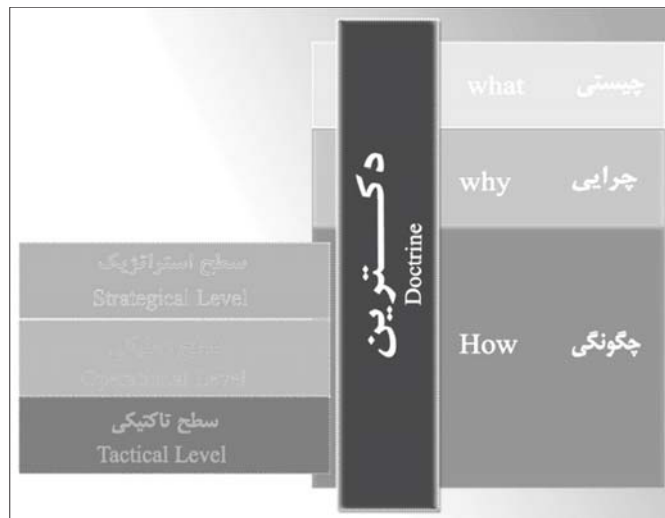
۱. دکترین^۱

سخن از دکترین یعنی تبیین قواعد ذاتی حاکم بر خلقت، طبیعت و رفتار بشر. تبیین این قواعد برای

جامعه‌سازی الزامی است. دکترین در لغت به معانی آیین، اصول عقیده، نظریه، تعلیم و مکتب (تولستوی، ۱۳۵۲: ۴۷) به کار رفته است. در اصطلاح نیز دکترین؛ قواعد بنیادین و هدایت‌کننده عملیات در پشتیبانی از سیاست‌های سطوح مختلف است. (کالینز، ۱۳۸۳: ۴۹۱) در حقیقت هر نظام فکری، خط مشی و فلسفه‌ای که مبنای عمل قرار گیرد، می‌تواند دکترین تلقی شود. (دلآوری، ۱۳۷۸: ۱۱۳) از خصوصیات دکترین این است که اصول و عقاید آن با عمل توأم است و حقایق نظری محض نیست. به همین جهت، تفاوت دانش و دکترین در این است که دانش؛ مشاهده، تبیین و تفسیر می‌نماید، حال آنکه دکترین حکم رانده و دستور می‌دهد و سپس به کار می‌بندد. (صلیبیا، ۱۳۷۰: ۱۰) پس آنچه در زمره باورهای یقینی فرد قرار گرفته است؛ به طوری که به شکل مستقیم مبنای عمل او قرار می‌گیرد، همان دکترین است. در نتیجه بررسی از حیث دکترین، به معنای «قاعده‌مند کردن» و رویکرد دکترین نیز «بررسی پدیده برای قاعده‌مند نمودن آن» است. دکترین در سیاست نیز معمولاً مجموعه اقدامات و خط مشی سیاسی یک دولتمرد است که دارای جنبه ابتکاری بوده و آثاری برجای می‌گذارد که مشابه اقدامات و سیاست‌های دولتمردان دیگر نیست. (طلوعی، ۱۳۷۲: ۴۵۸) دکترین به ما می‌آموزد که اساساً به چه چیزی بیاندیشیم (مسئله اصلی ما چیست؟)، چرا باید آن را در کانون توجه خود قرار دهیم؟ و در نهایت چگونه می‌توان شرایط تحقق مسئله اصلی را فراهم نمود. (ر.ک: ۴۳ - 34 / 1: 2009: P. Isitt) از این حیث دکترین «تبیین چستی و چرایی و چگونگی» هر پدیده را در بر می‌گیرد. در اینجا تا حدودی مشخص می‌شود که تفاوت اساسی میان شخصیت‌ها و پدیده‌ها را باید در پرسش از قواعد حاکم بر آنها جستجو کرد، زیرا ممکن است حتی استراتژی‌ها هم مشابه باشند ولی از آنجاکه در قواعد متفاوتند، جهت و غایت به کلی تغییر پیدا می‌کند.

۲. لایه‌های دکترین

دکترین جهت نیل به اهداف خود، باید چگونگی و نقشه راه تحصیل آنها را به طور کامل و به همراه جزئیات، مشخص و تبیین نماید. برای تحقق این مهم، سخن از لایه‌های دکترین می‌شود که هر یک با توجه به ویژگی‌های خاص خود، بستر مناسبی را برای ظهور و بروز دکترین فراهم می‌کنند. اگرچه تفکیک و تعیین حد و مرز مشخص و دقیقی میان آنها با دشواری‌هایی روبروست، سطوح دکترین به طور عمده، سه لایه است که عبارتند از: استراتژیکی، عملیاتی و تاکتیکی. (Gray, 1999: 36) این سطوح همگی درباره «چگونگی» اقدام سخن می‌گویند.



ج) تبیین دکترین مقاومت امام خمینی علیه السلام

براساس چارچوب تحلیلی دکترین، برای درک صحیح و نظام‌مند از اندیشه و سیره امام خمینی علیه السلام در مواجهه با مشکلات و تهدیدات و تبیین دقیق دکترین مقاومت، باید به این سه پرسش کلان پاسخ داد:

الف) از منظر امام خمینی علیه السلام در مسیر تحقق اهداف و اداره جامعه، برای مواجهه صحیح و مؤثر با مشکلات و موانع به معنای اعم و تهدیدات دشمنان به معنای اخص، باید به چه قاعده و اصل بنیادینی پایبند بود؟ و اساساً مفهوم «مقاومت» به چه معناست؟

ب) چرا امام خمینی علیه السلام، «مقاومت» را برای مقابله با دشمن و پیروزی در این عرصه دشوار انتخاب می‌کنند و آن را به عنوان قاعده‌ای بنیادین در اصول سیاسی جمهوری اسلامی ایران قرار می‌دهند؟ (چرایی و ضرورت بهره‌مندی مقاومت)

ج) در اندیشه امام خمینی علیه السلام، مقاومت چگونه تحقق می‌یابد؟ به این معنا که چه راه‌ها و شیوه‌هایی را باید در پیش گرفت تا مقاومت ظهور و بروز عملی پیدا کند و ثمرات آن پدیدار و پایدار شود؟ (چگونگی مقاومت) این چگونگی نیز در سه لایه استراتژیکی، عملیاتی و تاکتیکی مورد مطالعه خواهد بود.

۱. مفهوم مقاومت

مقاومت در لغت با واژگانی چون ایستادگی، برابری (معین، ۱۳۸۱: ۱۷۹۳)، پافشاری، استقامت و پایداری هم‌معناست. (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۴: ۲۱۳۰۲) از آنجایی که دانش سیاسی جدید با رویکردی تهاجمی و ذاتاً استعماری شکل گرفته است و نیز خیزش‌ها و جنبش‌های آزادی‌بخش و استقلال‌طلبانه هم اهمیت و

تأثیر چندانی در ادبیات سیاسی نداشته‌اند، بنابراین «مقاومت» تا قبل از انقلاب اسلامی ایران، در ترمینولوژی دانش سیاسی مدرن بیگانه مانده است و با ظهور انقلاب اسلامی ایران، این مفهوم در رهیافت‌های سیاست منطقه‌ای و بین‌المللی مورد توجه قرار گرفت. (پوستین‌چی و متقی، ۱۳۹۰: ۱۰۷ - ۱۰۶) پس می‌توان مقاومت را یک اصطلاح سیاسی بومی و بلکه اسلامی تلقی نمود. آیت‌الله خامنه‌ای، در تعریف این واژه فرموده‌اند: «مقاومت این است که انسان یک راهی را انتخاب کند که آن را راه حق می‌داند، راه درست می‌داند، و در این راه شروع به حرکت کند و موانع نتواند او را از حرکت در این راه منصرف کند و او را متوقف کند؛ این معنای مقاومت است». (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای: ۱۳۹۸/۳/۱۴) در این تعریف، مقاومت ارزش مثبت دارد، زیرا به «پایداری در مسیر حق» اطلاق شده است، پس «اصرار بر موضع باطل» را نمی‌توان مقاومت نامید.

۲. ضرورت مقاومت

انسان مستخدم بالطبع است، نوع انسان‌ها در حالت طبیعی در پی استثمار و غارت دیگرانند، مگر آنکه تحت تعالیم انبیاء و دین قرار بگیرند. (طباطبایی، ۱۳۷۱: ۲ / ۱۳۲) خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید هرگاه انسان یا تمدنی خود را قدرتمند بیابد یا این‌گونه گمان برد، روحیه غارتگری در او ظهور بیشتری خواهد یافت و او را به طغیان خواهد کشانید. (علق / ۶ و ۷) در برابر این روحیه مخرب و طغیان‌گر، یا باید تسلیم زیاده‌خواهی‌های سلطه‌گران شد و تمکین نمود یا اینکه راه مقاومت را برگزید. انتخاب امام خمینی ره مقاومت است و آن را بسان الگویی برای همه ملت‌ها، به جریان انداخت. پشتوانه چنین انتخابی، آن هم در ابعاد یک کشور و ملت بزرگی مانند ایران، که با وقوع انقلاب اسلامی، بیش از پیش مورد تهدید و تهاجم دشمنان قرار گرفت، پشتوانه‌ای عقلانی، علمی و دینی است (ر. ک: بیانات آیت‌الله خامنه‌ای: ۱۳۹۸/۳/۱۴) اجزاء مختلف این منطق در کلام رهبری، در ۵ محور عمده ترسیم شده است که در حقیقت، ضرورت‌گزینه‌ش منطق مقاومت محسوب می‌شود:

یک. مقاومت، واکنش طبیعی ملت‌های آزاده

منطقی است که «مقاومت، واکنش طبیعی هر ملت آزاده و باسرف در مقابل تحمیل و زورگویی است ... هر ملتی که برای شرف خود، برای هویت خود، برای انسانیت خود ارزش قائل است، وقتی ببیند یک چیزی را می‌خواهند به او تحمیل بکنند، مقاومت می‌کند، امتناع می‌کند، ایستادگی می‌کند؛ خود این، یک دلیل مستقل و قانع‌کننده است». (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای: ۱۳۹۸/۳/۱۴)

دو. مقاومت عامل عقب‌نشینی دشمن

توجه به عکس‌العمل دشمن دلیل دیگری بر ضرورت مقاومت است: «ایستادگی و مقاومت کردن در

مقابل زیاده‌خواهی دشمن و زورگیری دشمن و باج‌خواهی دشمن، راه جلوگیری از پیش آمدن او است؛ پس صرفه با مقاومت است. خود ما هم همین‌جوری هستیم و تجربه خود ما در جمهوری اسلامی همین را نشان می‌دهد». (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای: ۱۳۹۸/۳/۱۴)

سه. کم‌هزینه‌بودن مقاومت

مقایسه هزینه مقاومت در برابر هزینه سازش، بر تقویت مقاومت اثری شگرف دارد: «هزینه تسلیم در مقابل دشمن بیشتر است از هزینه مقاومت ... هزینه مادی هم دارد، هزینه معنوی هم دارد». به‌عنوان نمونه: «رژیم پهلوی در مقابل آمریکا تسلیم بود ... هم باج میداد، هم توسری می‌خورد! امروز دولت سعودی هم همین‌جور است؛ هم پول می‌دهد، هم دلار می‌دهد، هم به او می‌گویند «گاو شیرده»! (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای: ۱۴۰۱/۳/۲۷)

چهار. وعده‌های الهی برای اهل مقاومت

مقاومت را نه تنها امری زمینی که باید دستوری الهی بدانیم که نتایج ثمربخش دارد. «خداوند متعال در آیات مکرر قرآن این وعده را داده است که اهل حق ... در نهایت شکست نمی‌خورند؛ آنها پیروز هستند» و «آیات فراوان قرآن همه همین عاقبت را نوید می‌دهند به آن کسانی که در راه مقاومتند». مانند: آیه ۵ سوره قصص و نیز آیه ۷ سوره محمد و آیه ۴۰ سوره حج.

پنج. محال نبودن مقاومت

مهم‌ترین مانع در برابر کسانی که از مقاومت می‌هراسند پندار عدم نتیجه‌بخش بودن مقاومت است؛ حال آن که «مقاومت یک امر ممکن است؛ درست نقطه مقابل فکر غلط کسانی که می‌گویند و تبلیغ می‌کنند که «آقا! فایده‌ای ندارد؛ چطور می‌خواهید مقاومت کنید؟ طرف، گردن کلفت است، طرف قوی است ... خطای بزرگ، اینجا است؛ خطای بزرگ، این است که کسی تصور کند که در مقابل گردن‌کلفت‌های عالم نمی‌شود مقاومت کرد، نمی‌شود ایستاد ... من عرض می‌کنم که این نگرش که بگویند «ما نمی‌توانیم»، ناشی از همان خطای محاسباتی است که قبلاً اشاره کرده‌ام، این اشتباه در محاسبه است». (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای: ۱۳۹۸/۳/۱۴)

۳. چگونگی مقاومت (سطوح دکترین مقاومت امام خمینی علیه السلام)

در این قسمت، چگونگی و راه‌های تحقق این اصل اساسی در چارچوب قواعد اقدام (دکترین) مورد بحث قرار می‌گیرد که بر این اساس، دکترین‌های استراتژیکی، عملیاتی و تاکتیکی تبیین می‌شوند و به ذکر نمونه‌هایی از بیانات و اقدامات لازم برای تحقق هر سطح مبادرت می‌گردد.

سطح نخست: سطح استراتژیک دکترین مقاومت

باتوجه به یقین آور بودن دکترین و ویژگی‌های نهفته در مفهوم استراتژی، از جمله ریشه‌ای و عمیق بودن و طولانی‌بودن تحقق آن (ر.ک: کواکبیان و منتظری، ۱۳۹۶)، محور اصلی این لایه، باورهای قلبی و جنبه‌های شناختی است. با عنایت به دامنه بسیار وسیع سطح استراتژیکی، قواعد اقدام برای تحقق مقاومت در این لایه، در دو قسمت باید تبیین شود:

الف) آنچه متوجه به ساحت درونی یک کشور و ملت است که عبارت است از: «باور عمیق به اثربخشی مقاومت»

از منظر امام خمینی علیه السلام، با عنایت به دشواری مقاومت، مردم زمانی به آن روی می‌آورند که باوری عمیق داشته باشند، بنابراین برای تحقق این رکن استراتژیک، برخی از مهم‌ترین اقدامات و راهکارهای امام علیه السلام که ناظر به تقویت باورهای مقاومت کنندگان است، به شرح زیر است:

۱. تبیین اهمیت هدف و کوچک‌انگاری مشکلات

در ادبیات امام خمینی علیه السلام، برای آسان‌شدن مشکلات و بالارفتن قدرت مقاومت، تبیین «اهمیت هدف» است. طبیعی است هرچه هدف مهم‌تر و برای مردم خواستنی‌تر باشد، مشکلات تحمل‌پذیرتر و شیرین‌تر و در نتیجه پایداری افزون‌تر خواهد شد. (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۳ / ۴۰۱) به همین منظور امام علیه السلام در جریان انقلاب اسلامی ایران هدف اصلی قیام را که حفظ و گسترش اسلام و استقلال و آزادی کشور بود، به‌طور مداوم گوشزد می‌کردند. امام حتی هزینه‌هایی چون زندانی شدن و یا کشته‌شدن را نسبت به هدف نهایی، کم‌اهمیت‌تر جلوه می‌دادند: «از گوشه زندان نباید ترسید ... خمینی از بین برود، برود؛ دیگری هم از بین برود، برود. هدف ما حفظ اسلام و قرآن است». (همان: ۱ / ۲۷۵) ایشان در همین راستا، فراموشی هدف را باعث شکست نهضت می‌دانستند. (همان: ۲۱ / ۴۰۴)

۲. وعده پیروزی

مردمی که راه مبارزه را انتخاب کرده‌اند اگر امید به پیروزی داشته باشند قطعاً مقاومتشان صدچندان خواهد شد. البته این وعده‌ها، فریبکارانه و صرفاً از سر تقویت روحیه نبوده است، بلکه تاریخ انقلاب شاهد تحقق عملی برخی وعده‌ها بوده است که برای وقوع دیگر اهداف نیز تلاش‌های بسیاری صورت می‌پذیرد. از این‌رو، امام حتی در سخت‌ترین شرایط، از ملت می‌خواستند که مقاومت را از دست ندهند و در همان زمان با اطمینان به مردم، نوید پیروزی می‌دادند، مثلاً در اوج مبارزات می‌فرمودند: «من به شما آقایان محترم و به ملت ایران اطمینان می‌دهم که دستگاه با شکست مواجه خواهد شد. پیشینیان آنها سیلی اسلام را خوردند، اینها نیز خواهند خورد». (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۲ / ۱۳۰؛ ۵ / ۵۲۴)

۳. تکلیف‌گرایی

پر واضح است که در سیاست متعارف، بیشتر به عمل سیاسی و نتایج آن اندیشیده می‌شود و تقریباً به «انگیزه» کارگزاران سیاسی توجهی نمی‌شود. چنان‌که مفاهیم رایجی همچون «رقابت سیاسی»، «پیروزی و شکست انتخاباتی»، «منافع ملی»، «ائتلاف احزاب» و مانند آن به‌خوبی این رویکرد عمل‌گرایانه را نشان می‌دهد. امام خمینی علیه السلام اما در تمام فعالیت‌های سیاسی خود بر اساس اصل تکلیف‌گرایی حرکت می‌کردند، گرچه دستیابی به اهداف و مقصد، یعنی همان نتیجه نیز همواره مدنظر بوده است، لکن همواره «تقدم تکلیف بر نتیجه» از اصول ثابت اندیشه سیاسی ایشان بود زیرا در این صورت؛ چه پیروزی ظاهری بدست آید یا شکست ظاهری، در هر دو صورت پیروزی است؛ چراکه عمل به تکلیف کرده است؛ بنابراین ترس و شکست در این مکتب معنا نخواهد داشت (همان: ۹ / ۴۱۰) حتی امام علیه السلام به‌طور شفاف می‌فرمودند که «هیچ هم بنا نداریم به اینکه پیروز بشویم. ما بنا داریم به تکلیف عمل کنیم. ما مکلفیم که با ظلم مقابله کنیم» (همان: ۱۲ / ۳۲۲) البته روشن است که مقصود امام خمینی علیه السلام در اینجا رها کردن نتیجه و عدم تدبیر امور نیست. سخن ایشان، اصالت و تقدم تکلیف بر نتیجه است. به هر حال تکلیف‌گرایی برای مسلمان باورمند، تولید قدرت و مقاومت فزونتری خواهد نمود.

۴. آیات ترغیب‌کننده به مقاومت

یکی دیگر از رویه‌های امام خمینی علیه السلام در ترغیب مردم به مقاومت، ذکر آیات متعددی از قرآن کریم است. آیاتی مانند: بقره / ۲۵۰ - ۲۴۹، آل عمران / ۱۳۹، احزاب / ۲۶، محمد / ۷، مریم / ۹۶، فصلت / ۳۰ /

۵. استشهاد به سیره انبیا

یکی از سلوک امام خمینی علیه السلام در ساحت رهبری این بود که در مسائل مختلف به سیره انبیا و اولیاء استشهاد می‌نمود، به‌ویژه آنجا که مشکلات دشوارتر می‌شد، از مصیبت‌ها و مقاومت‌های انبیا، (همان: ۱۹ / ۵۶) از تحمل سختی‌ها توسط پیامبر صلی الله علیه و آله در مکه و مدینه و مشکلات شعب ابی طالب، جنگ‌های طاق‌فرسا (همان: ۱۴ / ۳۱۵ - ۳۱۴) مصائب بسیار طولانی و دردناک اهل بیت، شکنجه‌های مسلمانان صدر اسلام، سادات آل رسول و یاران اهل بیت، یاد می‌کردند. (همان: ۶ / ۵۳۱ و ۱ / ۱۶۴) ایشان بارها واقعه کربلا و پایداری یاران اندک سیدالشهدا را یادآوری می‌کردند و تذکر می‌دادند که از تنها ماندن نباید هراسید زیرا اسوه‌های دینی نیز با اینکه مشکلاتشان از همه بیشتر بوده است و در عین حال عده و عده آنان اندک بود، اما از تنهایی نهراسیدند و مقاومت کردند تا ثمرات آنها امروز به دست ما رسید. (همان: ۱۳ / ۲۵۰)

۶. ذکر الگوهای تاریخ معاصر

امام خمینی علیه السلام جهت تقویت ایستادگی معتقد بود که «اگر یک ملتی بخواهد مقاومت کند برای یک حرف حقی، باید از تاریخ استفاده کند ... و گذشته سرمشق هست از برای ما». (همان: ۵ / ۱۶۲) و بدین منظور همواره از الگوهای پایمردی تاریخ معاصر یاد می‌کردند؛ مانند مرحوم شهید شیخ فضل‌الله نوری و مرحوم شهید مدرس، میرزا صادق آقا، میرزا ابوالحسن انگجی، خیابانی، ستارخان، باقرخان، که امام بارها از ایشان و مقاومتشان یاد می‌کردند. (همان: ۱ / ۴۲۲ / ۳ / ۲۴۵؛ ۱۱ / ۵۳۶ - ۵۳۵ و ۱۳ / ۳۵۸)

۷. تزریق امید

یقیناً ملتی که امید ندارد پایداری نمی‌کند، به همین جهت یکی از قواعد حرکت امام علیه السلام، زنده نگه داشتن روح امید در بین مردم و مسئولان و ملت‌های مستضعف دنیا بود. (همان: ۲۱ / ۴۵۰) به تعبیر مقام معظم رهبری، «نقش امید در گذشته انقلاب یک نقش انکارناپذیر است. علی‌رغم آن فشار و اختناق سیاه و شدید ... شخص امام عزیز ما بود که دائماً با پیام خود و سخن خود و تعلیم حکمت‌آمیز خود دل‌ها را با امید و با رجاء به لطف پروردگار محکم و استوار می‌کرد». (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای: ۱۳۶۸/۱/۳)

۸. توجه دادن به راه مهم طی شده و دستاوردها

از ویژگی‌های بارز رهبران شایسته، بیان راه طی شده و ثمرات آن است. این امر سبب خواهد شد تا خودباوری و ایمان به مسیر تقویت گردد. در همین راستا امام علیه السلام، به مناسبت‌های مختلف پیروزی‌هایی که به خاطر مقاومت مردم به دست آمده است را تکرار و بازگو می‌کردند. مثلاً از شجاعت، به‌عنوان یکی از ثمرات مقاومت یاد می‌کردند: «زمانی حتی از یک پاسبان هم می‌ترسید ولی امروز از سپهبد هم نمی‌هراسد، قبلاً از صدای تفنگ می‌ترسید، امروز از تانک هم‌هراسی در دل ندارد». (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۸ / ۲۲۴) همچنین به ابعاد منطقه‌ای و جهانی مقاومت مردم ایران اشاره می‌کردند که موجب بیداری ملل مسلمان منطقه و بلکه ملت‌های مظلوم عالم شد. (همان: ۲۱ / ۲۸۳؛ ۱۰ / ۱۶۰) و دستاورد غرورانگیز انقلاب اسلامی را در عرصه جهانی این‌گونه بیان داشته‌اند که: «ملت بزرگ ایران مثل یک صاعقه بر سر آمریکا فرود آمده است». (همان: ۲۱ / ۸۸) و نیز با برشمردن راه طی شده و آثار به دست آمده می‌فرمودند: «هنوز اول ماجرا است ... اینها همه از برکات سحر شهیدان ماست». (همان: ۲۰ / ۱۹۷)

۹. نقش الگویی رهبران در پیشگامی پرداخت هزینه مقاومت

رهبران مقاومت خود باید قبل از دیگران آماده پرداخت هزینه باشند. آنان نمی‌توانند و نباید دیگران را به مبارزه بطلند و خود عاقبت‌طلبی کنند یا مردم را سپر بلای مبارزات قرار دهند. سیره و سخن امام خمینی علیه السلام و رهبران نهضت و پیروان مکتب ایشان، شاهدهی بر این ادعاست. امام تبعید شدند، فرزندشان

به شهادت رسید و یاران امام در زندان‌ها بیشترین آزارها را دیدند. بعد از پیروزی انقلاب نیز نزدیک‌ترین یاران ایشان مورد ترور قرار گرفتند. اینها به‌خوبی راه مقاومت را برای مردم عادی و هموارتر می‌نمود.

۱۰. پرهیز از سهل‌انگاری

امام در طول مبارزه و پس از آن بارها نسب به سست شدن و سهل‌انگاری مردم و مسئولان هشدار می‌دادند: «یک کشور وقتی آسیب می‌بیند که ملتش بی‌تفاوت باشد راجع به آسیب‌ها» (همان: ۱۳ / ۱۶۰) همچنین، علت عقب‌ماندگی کشورهای اسلامی در این سده‌های اخیر را همین بی‌تفاوتی مردم می‌دانستند. (همان) از این‌رو در فرآیند انقلاب یادآوری می‌کردند که اگر چنانچه سستی کنند و مراقبت نمایند همه دستاوردها از بین خواهد رفت: «اگر لحظه‌ای غفلت کنید تمام خون‌هایی که در راه اسلام و آزادی داده‌اید هدر می‌رود، و چنان ضربه‌ای به شما وارد می‌کنند که نفس‌هایتان قطع و فریادهای حقتان در گلو شکسته شود». (همان: ۵ / ۳۵۰) ایشان به‌همین‌منظور بارها نسبت به خطرات مختلفی چون روحانیت وابسته و متحجر، روشنفکران غرب‌زده، اندیشه ملی‌گرای، تفرقه میان مردم و مسئولین و ... هشدار می‌دادند و در مقابل، مراقبت و پشتیبانی از امور مختلفی را مانند: ولایت فقیه، بسیج، مستضعفین، حقوق مردم طلب می‌کردند. در همین‌راستا، درباره «حفظ نظام» بارها هشدار می‌دادند که اگر جمهوری اسلامی ایران از بین برود اسلام از بین می‌رود. (همان: ۸ / ۳۷۰ و ۱۶ / ۱۳۷ و ۱۳۹)

ب) آنچه معطوف به ساحت بیرونی یک کشور و ملت است: «دشمن‌شناسی و تنظیم کیفیت رفتار با آن» در دکترین مقاومت، موانع و مشکلات بزرگ در مسیر دستیابی به اهداف، پیش‌فرض‌های محتومی هستند که عدم‌درک درست و جامع از آنها ضررهای جبران‌ناپذیری را در پی دارد. از این‌رو، علاوه بر اشراف به ملزومات ایجابی، آشنایی و اعتقاد قلبی نسبت به جنبه‌های سلبی و سختی‌های این مسیر نیز بسیار اساسی است. لذا هم باور و معرفت به دشمن و ماهیت اصلی آن موضوعیت دارد و هم معرفت نسبت به چگونگی مواجهه با آن از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. از این‌رو، برخی از مهم‌ترین اقدامات استراتژیک برای پیاده‌شدن این قاعده در متن جامعه، براساس سیره رهبر کبیر انقلاب اسلامی، عبارتند از:

۱. تبیین اهداف دشمن

یکی از ویژگی‌های مهم رهبران - که آنها را از سایرین متمایز می‌کند - انگیزه‌خوانی هدف دشمن است. به این معنا که هرچه رهبری در فهم اهداف دشمنان و برملا کردن آنها دقیق‌تر و به موقع عمل کند توفیق بیشتری خواهد یافت. این خصیصه در امام خمینی علیه السلام فراوان دیده می‌شود. ایشان از ابتدای نهضت تا هنگام رحلت بارها اهداف دشمن را برای مردم تبیین می‌کردند. مثلاً امام در مبارزه با رژیم سابق با بیانات مختلف هدف رژیم و دشمنان نهضت را محو اسلام و از بین بردن عزت و استقلال ملت‌ها

معرفی می‌کردند. (همو، ۱۳۸۹: ۴۶ - ۴۵) طبیعی است وقتی مردم دین خود را در خطر نابودی ببینند، راه مقاومت را در پیش می‌گیرند. همچنین در مسئله حمایت از فلسطین، آنکه که خطر رژیم جعلی اسرائیل را نه برای فقط فلسطین و صرفاً مسئله‌ای عربی که برای تمام ملل مستضعف دانستند، موفق شدند مقاومت در برابر اسرائیل را در سطح جهانی محقق سازند.

۲. بیان شرایط و مواضع ضعیف دشمن

در تحلیل دائمی امام خمینی علیه السلام انسان اگر در مسیر حق باشد، دشمنان حتماً در حالت خوف قرار خواهند گرفت. به همین جهت ایشان این تعبیر را به کار می‌بردند که «دشمن الان از سایه خودش هم می‌ترسد» (همان: ۳ / ۲۹۰ و ۴ / ۲۶۱) و اقدامات خشونت‌بار دشمن را ناشی از همین ترس می‌دانستند که مانند حیوانی (گره‌ای) که گرفتار شده، حمله‌ور شده است. (همان: ۳ / ۳۹۰) یا اینکه دشمن از مقاومت و الگو شدن ما و بیداری ملل مستضعف علیه استکبار که ناشی از انقلاب اسلامی است می‌هراسد. (همان: ۱۹ / ۴۶۹ و ۱۹ / ۲۰۸) این مواضع امام، تنها یک جنگ روانی و یک تاکتیک مبارزاتی نبودند؛ بلکه حقایقی مبتنی بر داده‌های واقعی و مبانی اعتقادی بودند که البته تأثیرات روانی خود را بر طرفین داشت.

۳. نمادسازی از دشمن

امام در ادامه دشمن‌شناسی خود تلاش کرد تا با نمادسازی، جبهه مقاومت و مبارزه با استکبار جهانی را تثبیت و بسط دهد؛ مثلاً در رابطه با آمریکا، ایشان با صراحت تمام، بیش از یکصد تعبیر را در ترسیم سیمای اصلی دولت استعمارگر آمریکا به کار بردند که مشهورترین آنها واژه «شیطان بزرگ» است. (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۱۰ / ۴۹۷؛ <http://www.rajanews.com/news/226352>)

۴. تأکید بر دائمی بودن مقاومت

امام خمینی علیه السلام، همواره بر «دائمی و همیشگی بودن» مقاومت و مبارزه تأکید داشتند. این اصل اساسی امام، نه تنها باعث حفظ آمادگی برای مقابله و ایستادگی در برابر موانع و مشکلات می‌شود، بلکه پشتوانه محکمی برای تأمین صلح جهانی فراهم می‌گردد. امام در آغاز نهضت به صراحت هدف غایی نهضت را اجرا شدن احکام خدای متعال در جهان معرفی می‌کرد: «این [نهضت] برای این است که حکم خدا در دنیا جاری بشود، حکم شیطان از این دنیا بیرون برود». (همان: ۵ / ۱۶۸) در انتهای جنگ نیز، هنگام پذیرش قطعنامه فرمود: «جنگ ما جنگ حق و باطل بود و تمام‌شدنی نیست. جنگ ما جنگ فقر و غنا بود، جنگ ما جنگ ایمان و ردالت بود و این جنگ از آدم تا ختم زندگی وجود دارد». (همان: ۲۱ / ۲۸۴) در سخنی دیگر، به صراحت این مضمون را شرح می‌دهند: «ما می‌گوییم تا شرک و کفر هست، مبارزه

هست. و تا مبارزه هست ما هستیم. ما بر سر شهر و مملکت با کسی دعوا نداریم. ما تصمیم داریم پرچم «لا اله الا الله» را بر قلل رفیع کرامت و بزرگواری به اهتزاز درآوریم». (همان: ۲۱ / ۸۸)

۵. مبارزه تا نابودی کامل دشمن

امام خمینی علیه السلام، با تعیین خط مشی مبارزه تا نابودی کامل استکبار، روحیه مقاومت و عبور از هرگونه مانع و تهدیدی را تزریق می‌کند و آن را به‌عنوان یک قاعده استراتژیک، نصب‌العین نخبگان و مردم قرار می‌دهند. مطابق با اندیشه سیاسی امام، تا قدرت‌های سیطره‌جو و مستکبر جهان به اضمحلال و انقراض درنیایند، محال است که صلح و آرامش و سعادت در زمین حاکم گردد. (همان: ۱۲ / ۱۴۴) در منطق استکباری و سلطه‌طلبی آنان، حد پایانی وجود ندارد و جزئی از هویت اصلی آنان می‌باشد و تا همه ملت‌ها و منابع را تابع و مستعمره خود نکنند و به بند استثمار کامل نکشند و دین ما را تغییر ندهند، از تجاوز و تعدی و زورگویی کوتاه نخواهند آمد. (همان: ۲۱ / ۹۰)

۶. توجه دادن به این که «ما در میانه راهیم»

یکی از اقدامات مهم و موفق در رهبری امام علیه السلام، به‌ویژه هنگام فتح و پیروزی، تأکید بر این مهم بود که ما هنوز در میانه راه هستیم و تا مقصد نهایی، مسیر زیادی باقی است. (همان: ۸ / ۴۵) با این بیان امام، شور و شوق خاصی در مردم به‌خاطر دستیابی به هدف معین پیدا می‌شد. بر همین اساس، امام هدف را هم خیلی بزرگ و در سطح بشریت تصویر می‌نمودند، لذا می‌فرمودند: «دردآشنایان ... باید توجه کنند که در آغاز راه مبارزه‌اند و برای شکستن سدهای استثمار و استثمار و رسیدن به اسلام ناب محمدی راه طولانی در پیش دارند». (همان: ۲۱ / ۱۱۹)

سطح دوم: سطح عملیاتی دکترین مقاومت

این لایه از دکترین، هم مبین قواعد و اقدامات لازم در سطح عملیاتی است که قسمت مهمی از الزامات در تحقق دکترین مقاومت است و هم در دستیابی به اهداف در سطح استراتژیک نقش بسزایی ایفا می‌کند. تجزیه و تحلیل بیانات امام خمینی علیه السلام نشان از گستردگی دامنه عملیاتی دکترین مقاومت دارد، از این‌رو، اقدامات در این سطح، ذیل دو قاعده اساسی قرار می‌گیرند:

۱. جبهه‌سازی و مردمی کردن مبارزات؛

۲. ایجاد بازدارندگی در همه عرصه‌های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و نظامی.

بنابراین، دکترین عملیاتی مقاومت از دو عرصه و قاعده اساسی تشکیل می‌شود که در ادامه ضمن تبیین آن‌ها، مجموعه اقدامات مربوطه به هریک احصاء و بیان می‌شود.

الف) جبهه‌سازی و مردمی کردن مبارزات

حمایت و همراهی مردم و تشکل‌سازی آنان در قالب جبهه مردمی، یکی از مهم‌ترین قواعد اقدام، مبتنی بر آیات قرآن کریم است که در سیره انبیاء و ائمه اطهار علیهم‌السلام تجلی می‌یابد؛ مانند آیه ۲۵ سوره مبارکه حدید که رسالت انبیاء و نازل شدن وحی و تعالیم الهی را بسترسازی می‌داند برای آنکه مردم به پاخیزند و برای قسط قیام کنند. امام در اولین بیانیه رسمی سیاسی خود در سال ۱۳۲۳ با اشاره به آیه «قُلْ إِنَّمَا أَعْظَمُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلِي وَفُرَادَى». (سبأ / ۴۶) رسماً به همگان قیام فردی و عمومی را گوشزد نمودند و حدیث «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَ كُلُّكُمْ مَسْئُولٌ» (دیلمی، ۱۴۱۲: ۱ / ۱۸۴) را به مردم تذکر می‌دادند. در این راستا، از جمله اقدامات اساسی امام علیه‌السلام، برای تحقق این دگرگونی عملیاتی، که رویکرد مردمی بخشیدن به آن نمایان است، می‌توان به این موارد اشاره نمود:

۱. حمایت از اقدام انقلابی دانشجویان پیرو خط امام در تسخیر لانه جاسوسی و یاد کردن از آن به‌عنوان «انقلاب دوم» (انقلابی بزرگ‌تر از انقلاب اول)؛
۲. تثبیت واقعه ۱۳ آبان به‌عنوان روز مبارزه با استکبار جهانی؛
۳. معرفی آخرین جمعه ماه مبارک رمضان به‌عنوان روز جهانی قدس و دعوت از همه مسلمانان و آزادی‌خواهان جهان برای تبدیل این روز به‌روز مبارزه با رژیم اشغالگر قدس و صهیونیسم بین‌الملل و استکبار جهانی؛
۴. احیای سنت ابراهیمی و محمدی برائت از مشرکین در مراسم حج و فریاد برآوردن شعار مرگ بر آمریکا و اسرائیل در این مراسم؛
۵. تأسیس نهادهای اجتماعی - انقلابی مانند کمیته انقلاب اسلامی، جهاد سازندگی، تشکیل بسیج مستضعفان اسلامی و سپس در فکر تأسیس بسیج مستضعفان جهانی بودند؛
۶. نوآوری در واژگان سیاسی، مانند: «بسیج»، «بسیج سازندگی»، «استکبار جهانی»، «مستضعفین» «خودکفایی اقتصادی» و ...؛
۷. قدردانی دائمی از مردم مبارز و مقاومت آنان؛ امام به مصداق «كُونُوا دُعَاةً لِلنَّاسِ إِلَى الْخَيْرِ يَغْيُرْ أَلْسِنَتِكُمْ لِيَرَوْا مِنْكُمْ الْإِحْتِهَادَ وَ الصِّدْقَ وَ الْوَرَعَ» (طوسی، ۱۳۸۲: ۱۷۲) با تواضع تمام در بالاترین اندازه قدردان ملت بودند و بارها خود را خادم، خدمتگزار و نوکر مردم می‌شمردند (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۲۰ / ۳۳۳: ۳ / ۴۶۸ و ۱۱ / ۳۰۰) و در ادبیات خود تقاضای دست‌بوسی از مراجع و روحانیت و مردم انقلابی را می‌نمودند. (همان: ۱ / ۳۰۷ و ۴۱۸؛ ۱۱ / ۱۰۱)

ب) ایجاد بازدارندگی در همه عرصه‌های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و نظامی

فتح قله، دشوار است و هرچه افق نگاه انسان متعالی‌تر و بزرگ‌تر باشد، همچنان که لذت و شیرینی

موفقیت بسیار زیاد است، سختی‌ها و موانع هم فزون‌تر و مقابله موفق و عبور از آنها مشکل‌تر است. لذا پای در این مسیر نهادن، قدرت و تجهیزات لازم خود را می‌طلبد. برای تحقق این مهم، در ابعاد یک ملت و کشور، سخن از بازدارندگی^۱ به میان می‌آید که مفهوم آن، مطابق با بحث، توانمندسازی و دستیابی به قله‌های علم و قدرت است برای بازداشتن عامل تهدید از اقدام و خنثی‌سازی اثرات آن. بر این اساس، یک ملت مقاوم، قطعاً نیازمند توان بازدارندگی متقابل و پایدار است. این موضوع، یکی از اصول مهم قرآن کریم برای مقابله با تهدیدات و موانع حیات و تکامل بشری است که در سوره انفال، آیه ۶۰ صراحتاً به فراهم کردن تمام ملزومات نرم‌افزاری و سخت‌افزاری امر نموده است.

از این رو امام خمینی علیه السلام، با تمام توان، این دستور قرآنی را نیز به‌عنوان یک قاعده بنیادین و مهم، هم در مقام نظر بارها بیان نمودند و هم در مقام عمل، نسبت به انجام آن اهتمام ورزیدند. تشکیل جمهوری اسلامی ایران، اولین و مهم‌ترین قدم در جهت بازدارندگی به حساب می‌آید و سپس پیشرفت‌های مختلف ایران اسلامی که به افزایش توان بازدارندگی، مقاومت و مقابله مؤثر با تهدیدات و اقدامات جبهه ظلم و استکبار انجامید. ایشان در خطابی نسبت به همه مسلمانان، این اصل قرآنی را این‌چنین تبیین می‌نمایند: «مسلمانان باید بدانند تا زمانی که تعادل قوا در جهان به نفع آنان برقرار نشود، همیشه منافع بیگانگان بر منافع آنان مقدم می‌شود؛ ... پس راهی جز مبارزه نمانده است، باید چنگ و دندان ابرقدرت‌ها و خصوصاً امریکا را شکست» (همان: ۲۱ / ۸۳) یا اینکه همواره وحدت کلمه و ایمان به خدای متعال را شرط پیروزی و نیز شرط بازدارندگی اعلان می‌کردند و از همین زاویه، وحدت میان اقشار مختلف مردم، میان شیعه و سنی، میان حوزه و دانشگاه، میان نیروهای نظامی، میان مسئولین و قوای مختلف کشور را در جهت بازدارندگی لازم می‌دیدند. همچنین پیشرفت علمی و اقتصادی را با کلیدواژه «خودکفایی» جهت بازدارندگی تأکید بسیار می‌کردند (همان: ۲۱ / ۴۳۳) و مراتب تشکر خود را این‌چنین بیان می‌داشتند: «من دست و بازوی همه کسانی که بی‌ادعا و مخلصانه در صدد استقلال و خودکفایی کشورند را می‌بوسم». (همان: ۲۱ / ۲۳۳)

سطح سوم: سطح تاکتیکی دکترین مقاومت: تقوای رسانه‌ای و سواد رسانه‌ای

در لایه تاکتیکی، که به دلیل عینی‌تر بودن، اثرگذاری سریع و مستقیم مورد انتظار است، باید از قواعد موردنظر امام خمینی علیه السلام پیرامون نقش و عملکرد رسانه‌ها سخن گفت. با بررسی بیانات ایشان، در این سطح همچون قسمت‌های پیشین، دو قاعده اساسی وجود دارد که اولی ناظر به کسانی که در عرصه رسانه فعال هستند و دوم، نسبت آحاد ملت ایران با رسانه‌های بیگانگان است، که می‌توان به صورت زیر بیان نمود:

1. Deterrence.

۱. رسالت فعالین رسانه‌ای داخلی: رعایت تقوا در تولید و نشر محتوا؛

۲. رسالت ملت ایران نسبت به رسانه‌های خارجی: افزایش سواد رسانه‌ای و مراقبت نسبت به عملیات

روانی دشمن؛

این دو قاعده تاکتیکی مقاومت، از منظر امام علیه السلام، به شرح زیر صورت‌بندی می‌شوند:

الف) رعایت تقوا در تولید و نشر محتوا توسط فعالین رسانه‌ای داخل کشور

تقوا، از ریشه «و ق ی» و مصدر آن وقایه است به معنای «پیشگیری». در لغت به معنای پرهیز، حفاظت و مراقبت شدید و فوق‌العاده است. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۴۰۲) اسم فاعل آن، تَقَى و مُتَّقَى به معنای «صاحب تقوا» است. تعریف کلی انسان متقی در این روایت از امام صادق علیه السلام خلاصه می‌شود که وقتی از ایشان در معنای تقوا سؤال شد، فرمودند: «لَمَّا سُئِلَ عَنِ تَفْسِيرِ التَّقْوَى - أَنْ لَا يَفْقِدَكَ اللَّهُ حَيْثُ أَمْرَكَ، وَ لَا يَرَاكَ حَيْثُ نَهَاكَ». (مجلسی، بی تا: ۷۰ / ۲۸۵) تقوا این است که خداوند تو را در جایی که فرمانت داده است غایب نبیند و در آنجا که نهیت کرده است، حاضر نیابد. بنابراین، تقوا هم جنبه ایجابی دارد و هم جنبه سلبی، یعنی انجام دادن اموری که انسان باید به آنها بپردازد، به همان اندازه این وصف را در انسان ریشه‌دار می‌نماید که پرهیز از افعال و رفتارهای جسمی و روحی، او را به وادی متقیان می‌کشاند.

انسان و جامعه‌ای که جامه تقوا می‌پوشد، بهره‌های فراوانی شامل آن می‌شود که از آن جمله عبارتند از:

۱. سبب شکستن بن‌بست‌های روحی، اجتماعی و آسان شدن حل مشکلات و گره‌های مختلف می‌شود. (طلاق / ۴ - ۴۲)؛ ۲. هدایت‌بخشی (بقره / ۲)؛ ۳. آرامش (آل عمران / ۱۲۵)؛ ۴. آسایش (اعراف / ۹۴)؛ ۵. اتحاد و همدلی (آل عمران / ۱۰۳ - ۱۰۲)؛ ۶. جلوگیری از اختلاف (مؤمنون / ۵۳ - ۵۲)؛ ۷. اجتناب از آبروریزی (هود / ۷۸) و آثار بسیاری که بیش از ۱۰۰ مورد در قرآن کریم و احادیث

اهل بیت علیهم السلام به تفصیل بدان اشاره شده است. (ن. ک: <https://fa.wikifeqh.ir> / کلمه تقوا)

براین اساس، امام خمینی علیه السلام در موقعیت‌ها و زمان‌های متعدد، رهنمودها، بایدها و نبایدهایی به همه کسانی که در حوزه رسانه، اعم از بخش‌های تولید، تحلیل، پردازش و توزیع محتوا، محققان، نویسندگان، خطیبان و افراد مؤثر در جهت‌دهی آگاهی‌ها و اطلاعات در این بستر مهم و حساس، بیان می‌دارند که بهترین عنوان برای مجموع مضامین این سخنان، همانا «رعایت تقوای رسانه‌ای» است. به‌عنوان نمونه، امام علیه السلام درک حضور خداوند را در هنگام فعالیت رسانه‌ای، به‌عنوان رکن اصلی در تقوای رسانه‌ای، این‌گونه بیان می‌کنند:

در نوشته‌هایتان به خدا توجه داشته باشید! بدانید که این قلم که در دست شماست، در

محضر خداست و اگر هر کلمه‌ای نوشته شود، بعد سؤال می‌شود که چرا این کلمه

نوشته شده است. اگر به جای این کلمه بشود یک کلمه خوبتر نوشت، از شما سؤال

می‌کنند چرا این کلمه زشت را نوشته‌اید؟ (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۱۳ / ۴۸۲)

در موقعیتی دیگر، خدمت به ایران، به‌عنوان کشور اسلامی و پیشبرد اهداف آن، که خود از مصادیق تقوا و تکلیفی در پیشگاه خداوند متعال محسوب می‌شود، به‌عنوان جهت اصلی قلم نویسندگان معرفی کنند:

همت بگمارید که قلم و بیان خویش را برای تعالی اسلام و کشور و ملت خود به کار

گیرید و با توده‌های محروم هم‌صدا و هم‌دست شوید. (همان: ۱۸ / ۳۴۶)

و در همین راستا، اهمیت ورود به این عرصه خطیر را با چنین مقصدی، به‌عنوان یک شغل، واجب

کفایی برمی‌شمارند:

نویسندگان در هر جا که هستند، چه در حوزه‌های علمی و چه در دانشگاه‌ها و چه در

سایر جاها هستند، باید با گفتار خودشان و نوشتار خودشان به این کشور خدمت کنند.

عذر نیست برای آنها که چون من وارد یک شغلی نیستم، پس نویسندگی هم نکنم.

شغل، امروز یک امری است که برای آن اشخاصی که شایسته هستند و ایران احتیاج به

آن شغل‌ها دارد، واجب کفایی است، واجب کفایی آن است که به همه واجب است و

چنانچه ترک بشود، همه معاقب هستند. (همان: ۱۷ / ۲۳۶)

ب) افزایش سواد رسانه‌ای و مراقبت نسبت به عملیات روانی دشمن توسط ملت ایران

یکی از مهم‌ترین راه‌های اثرگذاری بر انسان، استفاده از «رسانه»^۱ است. همان‌طور که مارشال مک

لوهان پیش‌بینی کرده بود: «جنگ‌های آینده با تسلیحات جنگی و در میدان‌های نبرد رخ نخواهند داد،

این جنگ‌ها با تصویری رخ خواهند داد که رسانه‌های جمعی به مردم القا می‌کنند». (عیوضی، ۱۳۸۷)

اگرچه از طرفی امور آموزشی و تربیتی بسیار مثبت و رشددهنده‌ای را می‌توان در این بستر به‌خوبی انجام

داد، ولی از طرف دیگر، می‌تواند برای سوءاستفاده از جذابیت‌ها و اثرات شگرف آن در جهت

انحراف انسان از حقیقت، به فسادکشاندن جوامع و ایجاد منازعات و بحران‌های مداوم و ویرانگر به‌کار

گرفته شود. برای درک بهتر موضوع، مطالعه مجموعه اقدامات «رابت موردک»، که بسیاری از این

بحران‌ها را با مدیریت انواع بسترهای رسانه‌ای در دنیا ایجاد کرده است، اهمیت بسیار زیادی دارد.

(<https://www.mashreghnews.ir/news/198717>)

باعنایت به اهمیت رسانه، موضوع «سواد رسانه‌ای»^۲ برای عموم مردم، از نقش بسزایی برخوردار است؛

1. Media.

2. Media Literac.

زیرا براساس آن می‌توان انواع رسانه‌ها و انواع تولیدات آنها را شناخت و از یکدیگر تفکیک و شناسایی کرد. (http://farsi.khamenei.ir/others_note?id=9003) و بدین‌سان، جامعه را نسبت به آسیب‌های رسانه‌های مخرب و ویرانگر مصون نمود (ر. ک: نصیری، ۱۳۹۶) بر همین اساس، مجموع بیانات و سیره عملی امام خمینی علیه‌السلام، فی‌نفسه در راستای بصیرت‌بخشی، هدایت‌گری و زدودن غبار غفلت و فریب در مقابل امپراتوری رسانه‌های دشمن بود. با این وجود، ایشان با هوشیاری و رصد دقیق جریان رسانه‌ای نظام سلطه، و در رأس آن آمریکا، برای مواجهه آگاهانه مردم و مراقبت آنان نسبت به عملیات روانی و فریب مندرج در محتوای تولیدات رسانه‌ای، مباحث متعددی را در قالب هشدارها مطرح نمودند. از این‌رو، در سطح تاکتیکی دکتترین مقاومت، فراگیری سواد رسانه‌ای میان آحاد ملت، برای مصون‌سازی و واکسینه کردن جامعه و مراقبت هوشمندانه آنان قاعده اساسی محسوب می‌شود.

برای تحقق این مهم، امام خمینی علیه‌السلام، گاه از اهداف و مقاصد این امپراتوری رسانه‌ای برای فهم دقیق خط فکری موجود در تولیدات آن سخن می‌گفتند و گاه مردم را نسبت به سوءاستفاده دشمن از این بستر مهم و اثربخش یعنی رسانه آگاه می‌کردند و توصیه‌هایی در قالب اصول مواجهه با آن ارائه می‌دادند. به‌عنوان نمونه، امام علیه‌السلام، «مأیوس نمودن ملت‌ها، به‌ویژه ملت فداکار ایران از اسلام» را یکی از اهداف دشمن معرفی کرد که با به‌کارگیری انواع روش‌های رسانه‌ای برای این منظور اقدامات گسترده‌ای را انجام می‌دهند. (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۲۱ / ۴۰۴)

از جمله این شیوه‌ها، «ارتجاعی و ناکارآمد جلوه دادن دین» و دیگری «اختصاص دین به معنویات و رها کردن دنیا» می‌باشد و امام از اثرگذاری وجه دوم بر بعضی روحانیون و متدینین بی‌خبر از اسلام سخن گفته‌اند. (همان: ۴۰۴) امام خمینی علیه‌السلام، علاوه بر بیان مقاصد رسانه‌های معاند، به صراحت، مردم را به «نترسیدن از هیاهو و جنجال‌های رسانه‌ای دشمن» فرا می‌خواندند و می‌فرمودند: «شما ای مستضعفان جهان و ای کشورهای اسلامی و مسلمانان جهان به پا خیزید و حق را با چنگ و دندان بگیرید و از هیاهوی تبلیغاتی ابرقدرت‌ها و عمال سرسپرده آنان نترسید». (همان: ۴۴۸)

نتیجه

منطق مقاومت از اصول بنیادین در نظام فکری و سیره امام خمینی علیه‌السلام است که برای رشد و توسعه کشور، همواره باید در تمام شریان‌های اصلی جامعه جاری باشد. با عنایت به ضرورت مدل‌سازی و تبیین دقیق ابعاد مقاومت برای الگوبرداری از آن در تمام عرصه‌های جامعه، از چارچوب تحلیلی دکتترین بهره برده شد که طبق آن و با مطالعه محورها و مصادیق مقاومت در اندیشه سیاسی امام خمینی علیه‌السلام، باید از

دکترین مقاومت سخن به میان آورد. طبق آن، ابتدا به پرسش از چیستی و مفهوم‌شناسی اندیشه سیاسی، دکترین و مقاومت پاسخ داده شد. سپس به چرایی و ضرورت مقاومت مبادرت گردید و در گام بعد، بخش اصلی و مهم پژوهش، یعنی چگونگی مقاومت یا به تعبیر دیگر، راه‌های تحقق آن، بحث و بررسی شد. از این منظر، علاوه بر تجلی مقاومت در قامت قاعده‌های بنیادین، مجموعه اصول و اقدامات تحقق‌بخش آن نیز در سه سطح استراتژیکی، عملیاتی و تاکتیکی تبیین و تشریح شد که در قالب تصویر زیر قابل ترسیم است:



منابع و مأخذ

قرآن کریم

- ابن منظور، محمد بن مکرم بن علی، ۱۴۱۴ ق، *لسان العرب*، بیروت، دار صادر.
- امام خمینی، روح‌الله، ۱۳۸۵، *صحیفه امام خمینی ره*، ج ۲۱ - ۱، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ره.
- امام خمینی، روح‌الله، ۱۳۸۹، *جهاد اکبر یا مبارزه با نفس*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ره، چ ۲۶.
- پوستین چی، زهره و ابراهیم متقی، ۱۳۹۰، «زبان سیاسی مقاومت اسلامی در سیاست بین‌الملل»، *مجله پژوهش‌های روابط بین‌الملل*، پاییز، ش ۱، ص ۹۷ تا ۱۳۰.

۵. تولستوی، لئون، ۱۳۵۲، هنر چیست، ترجمه کاوه دهگان، تهران، امیرکبیر.
 ۶. دلاوری، رضا، ۱۳۷۸، فرهنگ لغات و اصطلاحات علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، تهران، دلاوری، چ ۱.
 ۷. دهخدا، علی‌اکبر، ۱۳۷۷، لغت‌نامه دهخدا، تهران، دانشگاه تهران.
 ۸. دیلمی، حسن، ۱۴۱۲ ق، إرشاد القلوب إلی الصواب، ج ۱، قم، شریف رضی.
 ۹. صلیبا، جمیل، ۱۳۷۰، واژه‌نامه فلسفه و علوم اجتماعی، ترجمه کاظم برگ نسی و صادق سجادی، تهران، شرکت سهامی انتشار.
 ۱۰. طباطبایی، محمد حسین، ۱۳۷۱، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، اسماعیلیان، چ ۲.
 ۱۱. طلوعی، محمود، ۱۳۷۲، فرهنگ جامع سیاسی، تهران، نشر علم و سخن.
 ۱۲. طوسی، فضل بن حسن، ۱۳۸۲ ق، مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، نجف، حیدریه.
 ۱۳. عیوضی، عبدالرحیم، ۱۳۸۷، «بحران‌شناسی رسانه‌ای: رسانه، قدرت نرم قرن ۲۱»، فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی، دوره ۱۵، ش ۵۵، ص ۸۰-۵۵.
 ۱۴. کالینز، جان، ۱۳۸۳، استراتژی بزرگ، ترجمه کورش بایندر، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
 ۱۵. کواکیان، مصطفی؛ مصطفی منتظری و غلامرضا منتظری، ۱۳۹۶، «فرآیند تدوین فقهی امام خمینی (ره) در ساحت سیاست»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال ششم، ش ۲۱، تابستان، ص ۳۹-۹.
 ۱۶. مجلسی، محمدباقر، بی تا، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ۲۴، قم، اسلامیه.
 ۱۷. معین، محمد، ۱۳۸۱، فرهنگ معین، ج ۱، تهران، آدنا: کتاب راه نو.
 ۱۸. نصیری، معصومه، ۱۳۹۶، سواد رسانه‌ای و خانواده، تهران، پشتیبان.
19. Gray, Colin s, 1999, *Modern strategy*, New York, oxford university press, No 1.
 20. P. Isitt, James, 2009, "Relationship of Joint Doctrine, Strategy & Policy", *Defense Threat Reduction University (DTRU) Journal*, Vol. I, Issue I, 34 – 43, available from.
 21. http://farsi.khamenei.ir/others_note?id=9003
 22. https://farsi.khamenei.ir/speech_content?id=42758
 23. <https://www.mashreghnews.ir/news/198717/>
 24. <https://fa.wikifeqh.ir>
 25. <https://www.rajanews.com/news/226352>.